

یک نوآر پلیسی

در باره فیلم جیب‌بر خیابان جنوبی



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

فیلم «جیب‌بر خیابان جنوبی» بدون شک از بهترین نمونه‌های فیلم نوآر در تاریخ سینمای کلاسیک است. اثر کارگردان کاربلد و سازش‌ناپذیر آمریکایی، ساموئل فولر از مهم‌ترین کارگردانان مستقل عصر طلایی هالیوود که هیچ‌گاه تسلیم فشار سیستم استودیویی نشد و البته با نقش آفرینی بازیگر شناخته‌شده فیلم‌های نوآر ریچارد ویدمارک در نقش اسکایپ مک‌کوی. «جیب‌بر خیابان جنوبی» ششمین فیلم ساموئل فولر، سینماگر نیمه‌مستقل آمریکایی است.

قصه آن درباره اسکایپ است که یک جیب‌بر است و بی‌آنکه از محتوای کیف خبر داشته باشد کیف پول زنی را می‌دزد که حاوی میکروفیلم شامل اسرار دولتی است. در عین حال زن نیز از محتوای کیف بی‌خبر بوده و به همراه جیب‌بر، ناخواسته با مأموران دولتی درگیر می‌شوند. آن دو برای نجات جان خود مجبورند به هم اعتماد کنند. «جیب‌بر خیابان جنوبی» فیلمی

خشن و بی‌رحم است که در اوج دوران مک‌کارتیسم ساخته شده و با نمایش درگیری‌ها، کتک‌کاری‌ها و زندگی واقعی جاری در خیابان چندان قواعد خشک دولتی آن دوره را مدنظر ندارد. این فیلم کلاسیک توسط استودیوی فاکس قرن بیستم تولید شد؛ در ابتدا مرلین مونرو برای ایفای نقش کندی پیشنهاد شده بود اما در نهایت فولر در تصمیمی غیرمنتظره این نقش را به جین پیتز سپرد. اسکایپ مک‌کوی به هیچ چیز اعتقاد ندارد؛ نه وطن پرست است، نه خائن. او جیب‌بر است؛ اما پول هم برایش اهمیتی ندارد. عاشق می‌شود؛ ولی هر لحظه امکان دارد چشم‌های همیشه‌ناپاوار خود را تنگ کند و سیلی بر صورت دختر رویاهایش بزند. اسکایپ مک‌کوی دزدی است که فقط به خودش ایمان دارد و همیشه مشکلاتش را خودش حل می‌کند؛ بدون کمک قانون. اسکایپ مک‌حرف، خشن و خونرسد است؛ با این‌که فیلم در اوج دوران مک‌کارتیسم و تحکات ضدکمونیستی ساخته شد، اما نمی‌توان انگ تبلیغاتی بودن را به فیلم چسباند. ماجرای میکروفیلم و کمونیست‌ها تنها محملی هستند برای این‌که در دوربین فولر به خیابان‌های پایین شهر قدم بگذارد و ما را با آدم‌های آنجا آشنا کند، انسان‌هایی مانند اسکایپ، کندی و مسو. آدم‌هایی

خسته و تنها و بی‌هدف، کسانی که وقتی عشق وارد زندگی‌شان می‌شود آن را باور نمی‌کنند. یاد گرفته‌اند که به هیچ‌کس بیشتر از خود اعتماد نکنند و هر چیزی را با حيله و کلک به دست آورند؛ اما آن‌ها همه قلب‌های مهربانی دارند و بسیار خسته‌اند. منتقدین این فیلم را با این‌که اختلافات عمده‌ای با فیلم‌های اصلی ژانر نوآر دارد؛ به دلیل داشتن بسیاری از مولفه‌های این ژانر در این دسته طبقه‌بندی کرده‌اند. قهرمان یا ضدقهرمان تنها و سرسخت، زن اوغرا، فیلمبرداری سایه روشن، آدم‌های پائین‌شهر و در حاشیه قرار گرفتن قانون را می‌توان از مولفه‌های مشترک این فیلم با ژانر نوآر دانست. در حالی‌که فیلم‌های ساموئل فولر در ژانر ساموئل فولر قرار دارند. توهم، خیال، جنایت و خشونت عناصر اصلی فیلم‌های فولر است. از نظر سیاسی با اینکه گرایش‌های راست‌گرایانه در آثار فولر دیده می‌شود اما همیشه فردی مستقل و منتقد نیروهای چپ و راست بوده است. توجه و تأکید او بر هویت آمریکایی و جنبه‌های ضدکمونیستی فیلم «جیب‌بر خیابان جنوبی» باعث شد که منتقدان بریتانیایی آن را فیلمی فرصت‌طلبانه و فولر را همدست سناتور، مک‌کارتی معرفی کنند. آمریکای دهه ۶۰

نظر ساموئل فولر، تبدیل به یک دارالمجانین شده بود. «جیب‌بر خیابان جنوبی» یک اثر نوآر در ساحت پلیسی‌اش محسوب می‌شود که یکی از ژانرهای محبوب ساموئل فولر است؛ فیلمی که در میانه‌ی کش و قوس جنگ سرد و دوران سخت‌گیری در فضای فرهنگی - سیاسی آمریکا، داستان خود را با محوریت تبعات کمونیسم و امر جاسوس‌بازی بنا کرده و برای مخاطب آمریکایی دورانش، بسیار هیجان‌انگیز بوده است. دهه ۵۰ میلادی، اوج تنازع‌های سیاسی

و فرهنگی در مبارزه با سبطریه کمونیسم در جهان است و آمریکا به‌عنوان جدی‌ترین دشمن این تفکر باید با آن به مقابله می‌پردازد. حال فیلمساز از این جو حکم‌بر جامعه استفاده کرده و قالب کردن این چگالی بر اتمسفر و هیئت فیلمش یک موقعیت دراماتیک و قصه‌گورا می‌سازد. «جیب‌بر خیابان جنوبی» اثر ساختارمند و قاعده‌مندی است که در اسلوب ژانریک خود به‌درستی روایت و داده‌ها را ارائه داده و اساساً در خلق موقعیت از دل درام و روایتی به‌شدت ساده، پیروزمند بیرون می‌آید.

روشن می‌خواستیم.

دی لا پاتلیز: برای همین بود که می‌خواستیم در تابستان فیلمبرداری کنیم.

دلپورته: به‌طور خلاصه بیشتر دنبال «یوزپلنگ» (فیلم ۱۹۶۲ ساخته لوکینو ویسکونتی) بودیم تا «بتمن».

دی لا پاتلیز: اما هنگام صحبت با مدیر فیلمبرداری می‌توانستیم به «لورنس عربستان»، «کفش‌های قرمز»، «شمال از شمال غربی»، «ظهر بنفش»، «دراکولا» و...

اشاره کنیم. ما همچنین درباره‌ی برایشان دی پالما (کارگردان صورت زخمی، مأموریت غیرممکن و تسخیرناپذیران) هم از نظر بازیگری و هم حرکت دوربین خیلی زیاد صحبت کردیم. ما داستان مردی را روایت می‌کنیم که به‌نوعی به جنون فرو می‌رود. ما مجبور نبودیم خودمان را در چیزی شیک و زیبا محصور کنیم بلکه دائماً همه‌چیز را با تصور داستانی ساخته‌شده مانند یک اپرای باروک دگرگون می‌کردیم.

دلپورته: با این کار، اساساً به ریشه‌های فراوان کتاب دوما که از یک داستان واقعی الهام گرفته شده بود، بازگشتیم. ما به این رویداد برگشتیم و به این مرد که واقعاً خودش را ساخته و برای انتقام گرفتن خود را متحول کرده بود.

دی لا پاتلیز: نمی‌دانیم آیا دوما، منت کریستوی ما را دوست می‌داشت اما متقاعد شده‌ایم که او دوست داشت فیلم بسازد!

چگونه این داستان انتقام با زمان ما منطبق است؟

دی لا پاتلیز: این داستان بسیار قابل فهم است، زیرا ما با شخصیت یکی می‌شویم با او همذات‌پنداری می‌کنیم و می‌خواهیم با او انتقام بگیریم. اما با گذشت زمان، او از مسیر خود منحرف می‌شود. نقدی بسیار تند از سفر «منت کریستو» توسط دوما وجود دارد که به تماشاگر اجازه می‌دهد تا با او به این سفر درونی برود. در این دنیایی که در آن زمان خشونت‌بار بود و امروز هم کمتر از آن نیست، متوجه شدیم که ایده‌ی انتقام یک ذره هم قدیمی نشده است.

دلپورته: همچنین به نظر من رمان دوما در مراحل اولیه‌ی انقلاب صنعتی، در زمان و در جامعه‌ای اتفاق می‌افتد که کمتر آریستوکراتیک بودند و به زودی اصل و نسب اهمیت کمتری از پول پیدا می‌کرد و یک عنصر جالب دیگر این است که منت کریستو مردی است بی‌دین، بی‌وطن و بدون اخلاق. او را بین هود نیست. او گنجی پیدا می‌کند و به‌جای تقسیم‌اش، آن را برای خود نگه می‌دارد تا اشتیاق انتقامش را برآورده کند.

منبع سی‌ان‌سی

تغییر می‌دهد؟

دی لا پاتلیز: ما «سه تفنگدار» را برای بوربولون نوشتیم که پیش از این با او «بابا یا مامان» دو قسمتی را کار کرده بودیم، وقتی شروع به نوشتن «منت کریستو» کردیم، این کار را با این تفکر انجام دادیم که او چه چیز را دوست دارد و چه چیز را دوست ندارد. ما قطعاً این کار را برای فرد دیگری متفاوت انجام می‌دادیم و با همان منطق ما «منت کریستو» را برای خودمان نوشتیم.

دلپورته: نوعی اسکیزوفرنی باعث می‌شد ما مدام بین فیلمنامه‌نویس بودن و کارگردان بودن جا عوض کنیم. ما در هر صورت بین خودمان بحث و جدل‌هایی داشتیم. از سوی دیگر چیزی که در مقایسه با «سه تفنگدار» تغییر نمی‌کند، این واقعیت است که منتظر نماییم تا فیلمنامه را به پایان برسانیم تا درباره‌ی فیلم با تیمی که دور و برمان را می‌گیرد، صحبت کنیم. در اولین جلسه‌ی هم‌مدیران را دور هم جمع کردیم و به مدت سه ساعت از فیلم برایشان گفتیم. یک کار هیجان‌انگیز بود زیرا می‌توانستید در چشمان افراد ببینید که کجا علاقه خود را از دست می‌دهند، کجا مجذوب می‌شوند.

دی لا پاتلیز: این خیال‌مان را راحت کرد. به ما اجازه داد تا زیاده‌روی کنیم، براساس این اصل که اقتباس‌های زیادی از «منت کریستو» در فیلم و سریال پیش از ما بوده است، ناگزیر پس از آن هم اقتباس‌های زیادی از آن خواهد شد. بنابراین مجبور نبودیم کاملاً به کتاب وفادار بمانیم، زیرا هنوز این اثر وجود دارد و همه می‌توانند هر زمانی که بخواهند با شور و شوق و بدون تعلل شروع به کار کنند.

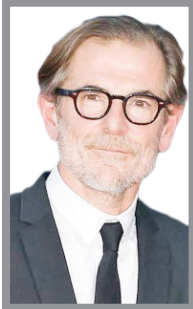
وقتی که داشتید می‌نوشتید چه منابع بصری را در ذهن داشتید؟

دی لا پاتلیز: از همان ابتدا، میل به برقراری ارتباط مجدد با شکوه بصری خاصی وجود داشت، مثلاً با تکنی کالر (سیستمی در فیلم رنگی که در سال ۱۹۲۲ ارائه شد. این سیستم از یک شکافنده‌ی نور در دوربین استفاده می‌کرد که آن‌ها دو قطعه فیلم می‌تابانند، نگاتیو سبز در نوار جداگانه‌ی خود قرار داشت و نگاتیو قرمز در نوار دیگر، سپس چاپ می‌شدند و در نهایت نگاتیوها به هم چسبانده می‌شدند و در یک فیلم پرزکتور نمایش داده می‌شد) دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰.

دلپورته: در سال‌های اخیر، بسیاری از فیلم‌های با بودجه هنگفت، منوکروم (سیاه و سفید) را انتخاب می‌کنند که اضافه کردن جلوه‌های ویژه به آن آسان‌تر است. بر عکس، اولین تأکید ما به مدیر فیلمبرداری مان نیکلاس بولدوک این بود که به رنگ توجه کند. ما قرمزها، آبی‌ها و زردهای



الکساندر دی‌آلماتیر



متیو دال‌پورته

نقدی بسیار تند از

سفر «منت کریستو»

توسط دوما وجود

دارد که به تماشاگر

اجازه می‌دهد تا با

او به این سفر درونی

برود. در این دنیایی

که در آن زمان

خشونت‌بار بود و

امروز هم کمتر از آن

نیست، متوجه شدیم

که ایده‌ی انتقام یک

ذره هم قدیمی نشده

است



آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی به صورت یکپارچه

شماره مجوز در سامانه ستاد: ۲۰۰۳۰۹۱۵۲۳۰۰۰۱۰

موضوع مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد از تاریخ چاپ تا تاریخ	زمان و مکان جلسه توجیهی	مهلت بازگذاری پاکات در سامانه ستاد تا تاریخ	تاریخ بازگشایی پاکات	سایر پاکات
واگذاری راهبری خودروهایی استیجاری ایاب و ذهاب منطقه یزد	۶۶,۴۷۴,۳۹۹,۱۲۰	۳,۳۲۳,۷۲۰,۰۰۰	۱۴۰۳/۰۸/۲۲ ساعت ۱۸	۱۴۰۳/۰۸/۲۷ ساعت ۱۱	۱۴۰۳/۰۹/۰۶ ساعت ۱۸	۱۴۰۳/۰۹/۰۶ ساعت ۸	۱۴۰۳/۰۹/۱۸ ساعت ۱۰

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران - منطقه یزد

متقاضیان می‌توانند بعد از انتشار این آگهی از تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ نسبت به دریافت اسناد این مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) اقدام نمایند. لازم به ذکر است کلیه مراحل این مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا بازگذاری اسناد و ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه ستاد به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است متقاضیان در صورت عدم عضویت قبلی، در سایت مذکور ثبت نام نموده و نسبت به دریافت گواهی امضای دیجیتال جهت شرکت در مناقصه اقدام نمایند. تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار باید به مدت سه ماه از تاریخ تسلیم پیشنهاد معتبر باشد و مطابق فرمت تحویلی در اسناد مناقصه (بجز بانک پاسارگاد) ارائه گردد.

آدرس مناقصه‌گذار: یزد- خیابان کاشانی- جنب پمپ بنزین- شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه یزد تلفن‌های تماس: ۳۶۲۸۶۳۶۱-۳۶۲۸۶۳۶۲-۳۶۲۸۶۳۶۳

شرایط متقاضیان:

- ۱- اساسنامه شرکت پیمانکاری باید موید ارتباط رسته کاری پیمانکار با وظایف محوله باشد.
- ۲- ارائه تصویر کلیه صفحات اساسنامه شرکت و کارت ملی و شناسنامه مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره شرکت و تصویر ثبت آگهی شرکت به همراه آخرین تغییرات در روزنامه رسمی و کد اقتصادی و شناسه ملی الزامی است.
- ۳- دارا بودن و ارائه تصویر گواهینامه تایید صلاحیت کارمندان از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان محل فعالیت
- ۴- دارا بودن و ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی معتبر از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان محل فعالیت در زمان عقد قرارداد الزامی است.
- ۵- احراز امتیاز قابل قبول براساس معیارهای ارزیابی توانمندی HSE
- ۶- احراز امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی (حداقل ۶۰ امتیاز)
- ۷- ارائه رضایت حسن سابقه از کارفرمایان سه سال گذشته الزامی است.
- ۸- اولویت در شرایط یکسان با انتخاب پیمانکاران بومی و استانی و همچنین بکارگیری نیروهای بومی و استانی با اولویت محل سکونت نزدیکتر در شرایط برابر از نظر علمی و تجربی می‌باشد.
- ۹- کلیه مستندات ارائه شده اصل و یا برابر اصل باشد.
- ۱۰- قیمت‌ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد (خرید کالای خارجی که مشابه تولید داخلی دارند ممنوع می‌باشد)
- ۱۱- کلیه پیمانکاران می‌بایست نسبت به مطالعه دقیق اسناد اقدام و در صورت ابهام یا ایراد، نسبت به شرکت در جلسه توجیهی (توضیح اسناد) با ارائه معرفی نامه کتبی و اعلام جهت رفع ابهام اقدام نمایند.
- ۱۲- کلیه پیمانکاران می‌بایست حداقل ۷۲ ساعت قبل از تحویل پاکات صورتجلسه توجیهی را دریافت و با علم و آگاهی کامل اعلام نرخ نمایند.
- ۱۳- عدم ممنوع معامله بودن در سطح کلیه شرکت‌های تابعه و وزارت نفت (در صورت محرز شدن، ضمانت/سپرده شرکت در فرآیند ارجاع کار به نفع مناقصه گزار ضبط خواهد شد).
- ۱۴- در این مناقصه فصل چهارم دستورالعمل ارزیابی مالی و فرآیند قیمت متناسب در مناقصات صنعت نفت منضم به نامه شماره ۲۰/۲۰-۷۹۶ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ وزیر محترم نفت (پیوست اسناد مناقصه) ملاک تعیین قیمت متناسب و برنده مناقصه خواهد بود.
- ۱۵- مناقصه با هر تعداد شرکت کننده برگزار و پاکات بازگشایی خواهد شد.

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران منطقه یزد

تاریخ چاپ نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵
تاریخ چاپ نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶
شناسه آگهی: ۱۸۱۸۰۳۰

خط، با پیر نینی تماس گرفتیم که او را نمی‌شناختیم. دلپورته: ادموند دانتس، شخصیت محوری رمان «کنت مونت کریستو» شبیه «سیرانو دو برزاک» [نمایشنامه‌ای فرانسوی نوشته ادمون روستان] است. ما باید قبل از نوشتن می‌دانستیم که کدام بازیگر قرار است نقش او را بازی کند.

دی لا پاتلیز: ما به بازیگری نیاز داشتیم که در تمام مناطقی که دانتس می‌رود، به‌طور ذاتی راحت باشد. او باید در هنگام فرار از قصر به اندازه‌ی زمانی که نقشه‌ی انتقامش را می‌کشد، باورپذیر می‌بود. در ۲۰ سالگی مثل ۴۰ سالگی باشد. پیر یک انتخاب واضح برای ما بود. تصمیم گرفتیم که مونت کریستو خود را بدون در نظر گرفتن یک بازیگر ننویسیم با اینکه همیشه قبلاً از این روش امتناع می‌کردیم. با پیر نینی تماس گرفتیم، با او یک قهوه خوردیم و او این نقش را پذیرفت. ما شروع به ساختن این داستان کردیم، با ایده‌ی تبدیل شخصیت مونت کریستو به دانتس با رادیکال کردن او، سپس به‌طور منظم با پیر کار کردیم. بعد از آن، ما واقعاً خوش شانس بودیم، زیرا فهرست رؤیایی بازیگران را تهیه کرده بودیم و همه‌ی آن‌ها موافقت کردند که در فیلم ما بازی کنند. دلپورته: بله پیر در جا پیشنهاد ما را قبول کرد زیرا آن نقشی است که او مدتی طولانی در آرزویش بود. بنابراین برای اولین بار ما شخصیتی را با بازیگری که در ذهن داشتیم نوشتیم.

دی لا پاتلیز: اولین وظیفه‌ی ما در نوشتن یافتن دیدگاهی درباره‌ی این داستان بود، که مدام گسترده و متعدد می‌شد، همچنین ابزاری برای جا دادن همه‌ی آن دیدگاه‌ها در یک فیلم سه‌ساعته.

دلپورته: ما تصمیم گرفتیم کل این ماجراجویی را از زاویه دید دانتس داشته باشیم. بنابراین داستانی نوشتیم که به صورت شخص اول روایت می‌شد، اما از طریق شخصیتی که چند نفر می‌شود و در هویت‌های چندگانه‌اش و در میل به عدالت گم می‌شود و در نهایت تبدیل به یک فرد انتقام‌جو می‌شود. «کنت مونت کریستوی» ما یک درام شخصی و عاشقانه است که از دیدگاه مردی ساخته شده که برای عشقی از دست‌رفته می‌جنگد. حسی که به‌مرور زمان کم‌کم متوجه آن خواهد شد.

دی لا پاتلیز: همچنین به همین دلیل است که ما این ایده را داشتیم که پس پست‌آمد آماده شدن برای تحول او در نشان دهیم و با این ایده‌ی اسکیزوفرنی بازی کنیم که در آن دو شخصیت درون یک مرد با هم مبارزه می‌کنند تا بداند کدام‌یک بر دیگری ارجحیت دارد.

دلپورته: طی این مرحله ما به متن‌مان بر می‌گشتیم و آن را بازخوانی کردیم و متوجه ارتباطش با فیلم‌های قبلی‌مان شدیم. به‌عنوان مثال، در سکانس شامی که مونت کریستو در عمارت خود ترتیب داده است ما خانواده‌ای درهم‌آمیخته را می‌بینیم با رازی ناگفته و تنش‌ی که اوج می‌گیرد با هم مرتبط هستند. بازی نقاب‌های دانتس قهرمان «مشهور ناشناخته‌ای» را تداعی می‌کند که متیو کارگردانی کرده و با هم آن را نوشته‌ایم: این مرد با بازی متیو کاسوویتس که همیشه رؤیای این را داشته که شخص دیگری باشد.

آیا این اثر چیزی را در شما به‌عنوان فیلمنامه‌نویس

فاحشی را بین محدوده‌های تاریک و ظالمانه زندان و املاک مجلل و آفتابی نخبگان ثروتمند به تصویر می‌کشد. استفاده فونتین از نور و سایه بر مضامین پنهانی، فریب و انتقام فیلم تأکید می‌کند.

کارگردانی دلپورته و دی لا پاتلیز دقیق است و با تسلط ماهرانه‌ای فیلم را در طرح پیچیده‌اش هدایت می‌کنند. آن‌ها به طرز ماهرانه‌ای بین سکانس‌های اکشن هیجان‌انگیز فیلم و لحظات درون‌گرایانه‌تر آن تعادل برقرار می‌کنند و به قدرت مخرب انتقام و وسواس فکر می‌کنند. این مضامین عمیقاً مورد بررسی قرار می‌گیرند و نشان می‌دهند که چگونه تعقیب انتقام‌جویانه دانتس در نهایت او را از بین می‌برد و نه تنها دشمنانش، بلکه خودش را نیز تهدید می‌کند.

خوشبختانه، نینی از صحنه‌های با لباس مبدل پر ادا و اصول با شور و شوق استقبال می‌کند که یادآور پیتز سلرز در سری «پلنگ صورتی» است که اجرا به زبان‌های فرانسوی، ایتالیایی، انگلیسی و ترکیبی از زبان‌های فرانسه و انگلیسی و ارائه‌ی یک مکاشفه تکان‌دهنده در یک مهمانی شام است. با این حال، او در صحنه‌هایی با دموستیر، جایی که عاشقانی که مدت‌ها از هم جدا شده‌اند، دوباره می‌پیوندند، اما نمی‌تواند احساسات خود را بیان کند کارش بسیار بهتر است. عبارات طریف آن‌ها احساسات عمیقی را منتقل می‌کند. نمایش کلی می‌توانست از این ظرافت بیشتر برای متعادل کردن عناصر قوی‌تر آن بهره‌برد که این کار را انجام نداده است.

منبع گاردین